دریچه

چالش‌های ساماندهی و بازسازی زلزله ۲۱ آبان استان کرمانشاه

دکتر علیرضا فلاحی

● وزیر محترم کشور یک هفته پس از وقوع زمین‌لرزه ۷٫۳ ریشتری، از آغاز ساخت مساکن موقت و به‌دنبال آن احداث مسکن دائم در یک ماه خبر می‌دهد (خبرگزاری فارس، گروه سیاسی ۱۳۹۶/۸/۲۸). این در حالی است که همچنان منطقه آسیب‌دیده به دلایل مختلف در مرحله امداد به سر می‌برد. اگرچه این گفته وزیر کشور می‌تواند به علل گوناگونی مانند فرارسیدن فصل بارندگی و سرما و همچنین حفظ امنیت منطقه باشد، اما ذکر این نکته ضروری است که بازسازی پس از سانحه، علمی پیچیده است و ابعاد و لایه‌های فراوانی دارد که کم‌توجهی به آنها می‌تواند به شکست بازسازی، آسیب‌پذیرترشدن سکونت‌گاه‌ها و مردم در بلندمدت و در نهایت نارضایتی منجر شود. به‌طورکلی خسارات ناشی از زلزله در هشت بخش: بناها، زیرساخت‌ها، اقتصادی، اداری و سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناختی و محیط‌زیستی تقسیم می‌شوند. همه این بخش‌ها به دو گونه مادی (محسوس) و معنوی (غیرمحسوس) در جامعه آسیب‌دیده متجلی می‌شوند؛ برای مثال تخریب مراکز تجاری نه‌تنها نیازمند بازسازی کالبدی است (محسوس)، بلکه فرصت‌های کسب‌وکار و تجارت را از دست داده و به بی‌کاری دامن می‌زند (نامحسوس). اساسا در اهداف بازسازی پس از سانحه نه‌تنها مسئله ترمیم و دوباره‌سازی و ارتقای استانداردهای احداث بناها و زیرساخت‌ها نسبت به قبل از واقعه مدنظر است، بلکه هم‌زمان بازتوانی مردم از لحاظ معیشتی، روان‌شناسی، اجتماعی و زیست‌محیطی باید در دستور کار قرار داده شود، با وجود این حقیقت که کشور با مقوله بازسازی غریبه نبوده و تجربه‌های ارزشمند فراوانی نه‌تنها در حین جنگ تحمیلی بلکه در زلزله‌های لار (۱۳۳۹)، بویین زهرا (۱۳۴۱)، فردوس (۱۳۴۷)، قیر و کارزین (۱۳۵۱)، طبس (۱۳۵۷)، منجیل و رودبار (۱۳۶۹)، بم (۱۳۸۲) آذربایجان شرقی (۱۳۹۱) دارد، اما به نظر می‌رسد فشارهای سیاسی و اجتماعی متعاقب هر سانحه مجریان را به انجام کارهایی سوق می‌دهد که در نهایت به آسیب‌پذیری بیشتر جامعه منجر می‌شود. در حقیقت، مهم‌ترین دلیل موفقیت بازسازی‌های گذشته، «مشارکت فعال مردم در همه ابعاد: برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، طراحی و اجرا» بوده است. از جانب دیگر، باید توجه داشت که اسکان موقت مقدمه‌ای بر اسکان دائم است و اتخاذ هرگونه سیاست در طراحی و ساخت بدون توجه به مشخصات مسکن دائم (و شناخت معماری بومی منطقه) نتیجه‌ای جز اتلاف سرمایه‌های ملی به‌دنبال نخواهد داشت، بنابراین در برنامه‌ریزی بازسازی مسکن در کرمانشاه، با توجه به موقعیت منطقه، اقلیم، مقولات اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و زیست‌محیطی، یافتن پاسخ مناسب و محلی برای پرسش‌های زیر در راستای اهداف توسعه منطقه الزامی است:

* چه کسی برنامه بازسازی را طراحی می‌کند؟ (فرایند تصمیم‌گیری)
* چه نوع برنامه‌ای برای ساخت‌وساز نیاز است؟ (پیمانکار، جامعه، ترکیبی از هر دو)،
* بازسازی کجا انجام شود؟ (در همان مکان، مکان جدید)
* چه کسی هزینه‌ها را پرداخت می‌کند؟ (دولت، خیرین، جامعه، ترکیبی از این موارد، گزینه‌های دیگر)،
* چگونه می‌توان استانداردهای جدید ساخت را به کار گرفت؟ (استفاده از آیین‌نامه‌های ساختمانی، روش‌های بومی، یا گزینه‌های دیگر)
* چه کسی خسارات ناشی از سانحه را ارزیابی می‌کند؟ (دستگاه‌های دولتی، بیمه، روش‌های دیگر).

پاسخ به پرسش‌های بالا نیازمند شناخت حاکم بر جامعه و روابط قبل از سانحه بوده و باید با مشورت و صلاحدید نیروهای دانشگاهی، مطلع، محققان و مجریان متخصص در امور سانحه در تعامل با عوامل و دست‌اندرکاران اجرائی و دولتمندان باشد. بدیهی است که مشارکت نیروهای مدنی، تشکل‌ها، اقوام و نمایندگان مردم در جریان تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت نقش بسزایی را در این روند ایفا می‌کند. شایان ذکر است دست‌اندرکاران تأمین اسکان موقت و بازسازی مسکن دائم زلزله کرمانشاه، نیازمند توجه جدی به چالش‌های ده‌گانه شامل: - تخمین اجمالی خرابی‌ها در مقابل تحقیق علمی و اصولی خسارات. مرمت در مقابل دوباره‌سازی- جابه‌جایی در مقابل درجاسازی- مشارکت مردمی در مقابل بازسازی سریع- ایجاد سازمان جدید در مقابل توانمندسازی نهادهای محلی- بودجه دولتی در مقابل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی- بازسازی صرفا کالبدی در مقابل توانمندسازی اقتصادی- استفاده از منابع و مصالح محلی در مقابل واردات- معماری بازسازی (رابطه اسکان موقت با مسکن دائم) - توجه به پتانسیل‌های شهر و روستا (روش‌های طراحی منطبق با منطقه).

باید متذکر شد که مردم پس از زلزله بی‌خانمان می‌شوند و نه فقط بی‌ساختمان؛ یعنی بازماندگان پس از سانحه، بخشی از خاطرات، تعلقات، معیشت، عزیزان و درعین‌حال محیط زیست و روابط اجتماعی و فردی خود را نابودشده می‌بینند. در خاتمه باید تأکید کرد «بازسازی یک تخصص و علم است و با صرفا خانه‌سازی تفاوت‌های بنیادین دارد».

***استادتمام و مدیر گروه سوانح و بازسازی/ دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی**

مناظره سردار و شهردار

معصومه اصغری: شهردار امروز تهران بالاخره پس از ماه‌ها چالش و رویارویی با عجیب‌ترین و خاص‌ترین ترکیبات مدیریتی در شهرداری تهران، شهردار سابق تهران را که حالا بیشتر با عنوان سرداری‌اش خوانده می‌شود، درباره توقف جدی خط هفت مترو تهران به مناظره در یکی از دانشگاه‌ها دعوت کرده است.

این دعوت به مناظره صریح که البته در ادامه اعلام آمادگی معاون ترافیک شهردار تهران، از سوی محمدعلی نجفی مطرح شده، چندان با روحیه آرام و مصلحت‌جوی نجفی جور درنمی‌آید، اما وقتی او می‌بیند شهردار تهران از بیرون گودی که خودش برای میلیون‌ها شهروند تهرانی درست کرده، نشسته و اقدامات مهم و عاجل برای ایمنی مردم را «سیاسی‌کاری» می‌خواند، ترجیح می‌دهد آن روی دیگر خود را هم نشان دهد. محمدباقر قالیباف تا آخرین روزهایی که در مسئولیت شهردار تهران بود، سرش را به افتتاح‌های پی‌درپی بدون توجه به اینکه آنچه افتتاح می‌شود چقدر آماده است، گرم کرد و نتیجه این شد که هفت ایستگاه افتتاح‌شده خط هفت مترو که ناقص افتتاح شده با اعتراضات مردمی و اعضای شورای شهر و وزارت راه و کشور حداقل برای شش ماه با دستور شهردار فعلی تهران که مسئول امنیت و جان مردم است، متوقف شد. نجفی دستور توقف خط هفت را همان روزهای اولی که به طبقه آخر ساختمان بهشت رسید، صادر نکرد؛ حداقل یک ماه قبل از انتخاب شهردار، اعضای منتخب شورای پنجم در جلسات مشترکشان و رحمت‌الله حافظی، تنها عضو نگران شورای چهارم، بارها درباره عدم ایمنی در بخش‌های افتتاح‌شده خط هفت اعتراض کردند و هشدار می‌دادند. رحمت‌الله حافظی، عضو اصولگرایی بود که در سه سال شورای چهارم بیشترین مقابله و افشاگری‌ها را در ارتباط با شهردار و شهرداری تهران داشت و درباره عدم ایمنی در خطوط هفت و هشت مترو تهران هم با ارائه مدارکی مستند کوتاه نیامد و حتی این مقاومت به توهین معاون قالیباف در صحن شورا به او منجر شد. محسن هاشمی، به‌عنوان مدیرعامل مترو تهران، از شروع به کار آن تا سال ۸۹ و حالا که رئیس شورای شهر تهران است، در جریان افتتاح خط هفت، درباره خطرات این خط برای شهروندان صحبت کرد و صراحتا ناایمن‌بودن این خط را هشدار داد و اعلام کرد که به‌محض قرارگرفتن در مسئولیت، این موضوع را دنبال خواهد کرد. نجفی اما پس از شهردار تهران‌شدن با روحیه آرام و دور از هیاهویی که دارد، فارغ از تأکیدات کلی که برای دوری از سیاسی‌کاری داشت، بررسی ایمنی در خط هفت مترو تهران را در کنار محورهای اصلی کار خود قرار داد و در ادامه پس از انتخاب معاون حمل‌ونقل و ترافیک از او خواست کمیته‌ای را برای این کار تعیین کند و در نهایت حدود دوماه بعد این کمیته صراحتا نظرش را اعلام کرد و تصمیم این بود که همان هفت ایستگاه ناقص افتتاح‌شده خط هفت برای جان مردم خطرآفرین است و باید موارد مهمی در آن اصلاح شوند. بر اساس اعلام کارشناسان، متخصصان و بازرسان فنی که بازدیدهای مکرری از این خط داشته‌اند، مشخص شد خط هفت مترو به‌لحاظ مواردی مانند نبود سامانه علامت‌دهی (سیگنالینگ) و سامانه کنترل حفاظت خودکار (ATP)، عدم نصب حتی یک هواکش در تونل‌ها که در تعارض با استانداردهای موجود است، نواقص سیستم برق‌رسانی و عدم راه‌اندازی سیستم کنترلی برق (اسکادا) خطراتی جدی دارد. علاوه بر اینها نامه صریح مهندس مشاور که بهره‌برداری را تنها در فاصله زمانی ۵۵ دقیقه تأیید می‌کند، موجود است. اما آیا محمدباقر قالیباف نمی‌دانست که حتی اگر شهردار و شورایی از یک جریان سیاسی مقابل روی صندلی او نمی‌نشستند، باز

هم نفرات بعدی لزوما مسئول اقدامات درست و غلط او نیستند و ممکن است درباره مسائل مختلفی زبان به انتقاد و حتی افشا باز کنند؟ شهردار سابق تهران که تا روز آخر سرگرم انتخابات و حواشی بعد از آن بود، لزومی ندید درباره مهم‌ترین مسائلی که برای شهروندان تهرانی مهم بود توضیح بدهد و آنها را از آنچه بر بیت‌المالشان رفته آگاه کند و حالا با همان روحیه نظامی خود در اظهاراتی یک‌سویه، در دانشگاهی که سبقه‌های حمایت از جریان اصولگرایی را داشته و دارد همه اقدامات شهردار تهران را در یک کلام «سیاسی‌کاری» خوانده است. او هفته گذشته در دانشگاه علم و صنعت توضیحات مفصلی را در باب تئوری‌های نواصولگرایی ابداعی خودش داشت و در این میان به چند سؤال درباره عملکردش به عنوان شهردار تهران ازجمله املاک نجومی و تعداد نیروهایش در این ۱۲ سال و خط هفت مترو تهران خیلی کلی پاسخ داد. او گفت: «تعطیلی خط هفت مترو سیاسی‌کاری است، درحالی‌که خط شش همین چند روز گذشته از بُعد کیفیت جایزه جهانی را دریافت کرد». این اظهارات سردار قالیباف همان روز با واکنش معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهردار تهران روبه‌رو شد و محسن پورسیدآقایی برای مناظره با قالیباف درباره خط هفت مترو، اعلام آمادگی کرد. او گفت: اگر واقعیت‌های عملکرد گذشته در بسیاری از حوزه‌ها کمتر گفته می‌شود، فقط‌وفقط به‌خاطر این است که اعتماد مردم به نهاد شهرداری که در سال‌های گذشته به حد کافی آسیب دیده است، بیش از این مخدوش نشود. او گفته است برای مدیریت جدید شهرداری تهران ایمنی و سلامتی مردم و آرامش ذهنی جامعه اهمیت زیادی دارد، در غیر این صورت از همان هفته آغازین شروع کار به استناد مکاتبه وزارت کشور، اعلام نظر محرمانه نهادهای نظارتی و تذکرات پی‌درپی اعضای شورای شهر چهارم می‌توانستیم خط هفت را تعطیل کنیم. وی افزود: آقای قالیباف لابد مطلع‌اند که معنای افتتاح خط مترو بدون هواکش و سیگنالینگ و پایانه چیست. حتما می‌دانند که قطارهای خط هفت را با جرثقیل از دهانه شفت به پایین رساندند تا این خط به هر قیمتی شده به دست ایشان افتتاح شود. احتمالا مطلع شده‌اند که ما در کار کارشناسی آن‌قدر تأنی و صبوری کردیم که نهایتا در جلسه‌ای با حضور مدیرعامل منصوب ایشان در مترو هم نبود ایمنی کافی در این خط به اثبات رسید و بعد با اجماع کارشناسان تصمیم به تعطیلی خط گرفته شد. آنچه سیاسی‌کاری بود، افتتاح این خط بود و نه تعطیلی آن؛ اگر ما بنای کار سیاسی داشتیم، معنا و تبعات این اقدام نمایشی به‌راحتی قابل توضیح به افکار عمومی بود. معاون نجفی درعین‌حال خطاب به قالیباف تأکید کرده که اگر تردید دارند یا نمی‌خواهند بپذیرند که افتتاح خط هفت مترو عجولانه و بازی تبلیغاتی با جان و سلامتی مردم بوده است، بنده برای مناظره در این خصوص در هر دانشگاهی که ایشان تعیین کنند، اعلام آمادگی می‌کنم. حالا چند روز بعد از این اظهارات، نجفی در اظهارنظری کوتاه گفته است: «پیشنهاد خوب را معاونم مطرح کرده است و من هم می‌گویم برای اینکه موضوع شفاف شود و مردم دقیقا در جریان قرار بگیرند، آقای قالیباف در هر دانشگاهی که موردعلاقه‌شان است حضور پیدا کنند تا مناظره‌ای در حضور مردم و رسانه‌ها انجام شود. در این مناظره دلایل ما برای تعطیلی این خط و دلایل ایشان برای عدم تعطیلی بیان شود و اگر ایشان واقعا فکر می‌کنند ما از نظر کارشناسی اشتباه می‌کنیم یا خدای ناکرده کار سیاسی کردیم، بهترین راه برای اثبات، برگزاری مناظره است». حالا باید دید شهردار سابق تهران که در دوران ۱۲ساله مسئولیتش - به‌جز دوران سه‌باره انتخاباتی‌اش - کمترین میزان نشست خبری و مناظره و رودررویی با منتقدان عمومی و خصوصی و رسانه‌ای داشته، حالا برای دفاع از یکی از مهم‌ترین عملکردهای دوره مسئولیت خود چطور به میدان می‌آید؟ و در صورت قبول این مناظره، مناظره یک شهردار با سابقه معلمی و یک شهردار با سابقه نظامی چگونه خواهد بود؟

نگران زلزله نیستیم

شهردار تهران با اظهار اینکه مدیریت بحران شهر تهران بر عهده شهرداری است، گفت: در این زمینه از نظر برنامه‌ای آمادگی داریم. همچنین برای محلاتی که ممکن است بر اثر وقوع زلزله دچار خسارات شوند، برنامه‌ریزی کرده‌ایم. البته هنوز آموزش برای این محلات آغاز نشده است. به گفته نجفی، در ۱۰ پارک جنگلی تهران امکان اسکان برای جمعیتی حدود ۶۰۰ هزار نفر ایجاد شده است. همچنین ۵۰ هزار بسته کمک‌های اولیه فراهم شده است. افزون بر اینها در حال پس‌گرفتن ۱۱۰ پایگاه یا سوله که در اختیار بخش‌های مختلف بود، هستیم که یکی هم در اختیار صداوسیما بود. بنابراین آمادگی نسبی در تهران برای مقابله با حوادث غیرمترقبه مثل زلزله وجود دارد.

تکلیف مصوبه برج باغ در مدیریت جدید شهر تهران

شهردار تهران در ادامه در پاسخ به پرسشی در مورد تخریب باغات تهران، با اشاره به اینکه حدود هشت یا ۱۰ سال پیش طرحی با عنوان برج باغ در شورای شهر تهران به تصویب رسید، گفت: در دوره‌ای ارائه مجوز برای ساخت‌وساز در باغ‌ها ممنوع بود، اما برخی مالکان دنبال ساخت‌وساز داخل باغ خود بودند. در همین مقطع اقداماتی مثل آتش‌سوزی‌های عمدی در باغات تهران صورت می‌گرفت. این روند باعث تصویب مصوبه برج باغ در شورا شد. وی تصریح کرد: طبق این مصوبه مالکان می‌توانند تنها در ۳۰ درصد باغ ساخت‌وساز انجام دهند. ظاهر این مصوبه خوب بود، اما در اجرا دچار اشکالاتی شد. زیرا برخی ساخت‌وساز داخل باغ را تا ۴۰ درصد نیز پیش بردند یا به جای شش‌طبقه، ۱۰طبقه ساختند. متأسفانه در شهرداری تصمیم نابجایی مبنی بر اینکه ۸۰ تا صد درصد باغ را تبدیل به پارکینگ کند، گرفته شد. طبیعی بود که با این تصمیم درختان باغ خشک می‌شدند. نجفی با تأکید بر اینکه شورای قبلی باید جلوی این مصوبه را می‌گرفت، گفت: در شرایط کنونی شورای شهر تهران و شهرداری در این زمینه توافق کامل دارند. بنابراین این مصوبه یا باید به‌طورکلی منتفی شود یا اصلاح جدی در آن صورت گیرد. شهردار تهران تأکید کرد: در دوره جدید مدیریت شهر تهران هیچ مجوز برج باغی داده نشده است و سعی شده مجوزهای قبلی طبق مقررات تعیین‌شده اجرائی شوند.

خبر

نوجوانان کانون اصلاح‌وتربیت به دانشگاه راه پیدا می‌کنند

● **ایلنا:** مدیر کانون اصلاح‌وتربیت تهران با اشاره به اینکه مددجویان در کانون اصلاح‌وتربیت می‌توانند تا مقطع تحصیلی دانشگاه تحصیل کنند، گفت: شرکت در کلاس‌های آموزشی برای همه افراد در کانون اجباری است و مدارک اخذشده تفاوتی با مدارک افراد عادی ندارد؛ چراکه اسم کانون یا سازمان زندان‌ها در آنها درج نمی‌شود. علی رستمی، درباره مسائل و برنامه آموزشی در کانون گفت: در کانون اصلاح‌وتربیت تهران نیز مدرسه‌ای وجود دارد که از سوی آموزش‌وپرورش منطقه پنج تهران مدیریت می‌شود و معلمان از آنجا می‌آیند. یک ساختمان سه‌طبقه که سال ۹۱ به بهره‌برداری رسیده، با امکانات کامل با عنوان مدرسه از سوی سازمان نوسازی مدارس راه‌اندازی شده و مانند همه مدارس عادی اداره می‌شود. او با بیان اینکه آموزش‌های کانون از نهضت سوادآموزی و از آموزش مقدماتی تا تکمیلی آغاز می‌شود، گفت: آموزش‌های ابتدایی و مابقی مقاطع برای همه وجود دارد و همه می‌توانند تا مقطع دیپلم تحصیل کنند. علاوه بر این، نوجوانان می‌توانند به دانشگاه هم راه پیدا کنند؛ کمااینکه یکی از دختران کانون درحال‌حاضر دانشجوی ترم سوم مدیریت مالی دانشگاه غیرانتفاعی مجازی است و هزینه‌های تحصیل او از سوی خیّران تأمین می‌شود و با اینکه جرمش قتل است، همین‌جا دوره پیش‌دانشگاهی را خوانده و در کنکور شرکت کرده و درحال‌حاضر نیز دانشجو است. رستمی ادامه داد: در گذشته از پسران هم دانشجو داشتیم که آزاد شده‌اند. همه شرایط برای تحصیل افراد در کانون مهیاست و فرد بی‌سواد در کانون وجود ندارد؛ مگر بین افغانستانی‌ها که آنها نیز آموزش می‌بینند و در کلاس‌های نهضت سوادآموزی شرکت می‌کنند. مدیر کانون اصلاح‌وتربیت تهران تأکید کرد: برای این دوره از آموزش‌ها، گواهی‌نامه فنی‌وحرفه‌ای به افراد تعلق می‌گیرد؛ بدون درج اسمی از کانون اصلاح‌وتربیت یا سازمان زندان‌ها؛ یعنی گواهی‌نامه‌ای از طریق سازمان فنی‌وحرفه‌ای شهر تهران منطقه هفت برای آنها صادر می‌شود؛ مانند افرادی که بیرون از کانون این دوره‌ها را گذرانده‌اند. او تصریح کرد: ساعت آموزش از هشت صبح تا ۱۲ ظهر است و همه افراد باید در آن شرکت کنند. هیچ فردی در کانون اصلاح‌وتربیت نمی‌تواند خارج از فرایند آموزش باشد. هر فردی وارد کانون شد، باید در دوره آموزش‌های کلاسیک شرکت کند.

در نشست حقوق شهروندی مطرح شد:

اصل حقوق شهروندی مطالبه‌گری است

شرق: شهیندخت مولاوردی در اولین نشست از سلسله نشست‌های ۱۰گانه حقوق شهروندی که با مشارکت دبیرخانه دائمی حقوق شهروندی در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شد، با بیان اینکه «دوره اعلام و ابلاغ را پشت سر گذاشته‌ایم و در آغاز دولت دوازدهم باید به عمل برسیم»، افزود: موادی از منشور باید با رفع چالش‌ها به‌مرور به اجرا دربیاید و خروجی منشور برای مردم ملموس باشد و برای مأموریت اجرا، آگاهی‌بخشی صرف کفایت نمی‌کند و از اصل قرار بر این نبود؛ بلکه اصل بر مطالبه‌گری و اجراست؛ بنابراین سیاست‌گذاری برای نهادینه‌کردن، یکی از برنامه‌های دولت دوازدهم است و در این مدت کوتاه جلسات متعددی داشتیم تا به این سازوکار برسیم. دستیار رئیس‌جمهور در امور حقوق شهروندی، رونمایی از منشور حقوق شهروندی را نشان از اراده رئیس‌جمهور در این موضوع دانست تا در عمل برای این مطالبه دیرینه بعضا روی‌کاغذمانده مردم ایران، گامی برداشته شود.او گفت: در مقدمه منشور، شاهد بیانیه‌ای هستیم که جزء لاینفک منشور است؛ اما باز هم برنامه‌ای نیاز است تا این سازوکارها به مرحله عمل دربیاید و باید تقسیم کار ملی صورت بگیرد تا با بررسی‌های انجام‌شده، مانند حوزه‌های دیگر شاهد پراکنده‌کاری‌ها و موازی‌کاری‌ها نباشیم؛ چون دود آن به چشم شهروندان می‌رود.مولاوردی ادامه داد: آنچه در منشور مرکز توجه است، تدوین کمّی و کیفی برای پیشگیری از نقض‌های نظام‌مند است و قرار بود شاخص‌هایی در پیوست منشور باشد که این شاخص‌ها تا ۳۰۰ صفحه شد و در نهایت با نظر رئیس‌جمهور بخش شاخص‌ها منفک می‌شود و در معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری در حال تهیه و تدوین است.دستیار رئیس‌جمهور در امور حقوق شهروندی تدوین آیین‌نامه‌ها و روش‌های غیرقضائی را نیز در منشور حقوق شهروندی بسیار درخور توجه دانست و گفت: اهمیت این آیین‌نامه‌ها به این دلیل است که به‌آسانی و باسرعت طرح شکایات و احقاق حق داشته باشیم و راه پیش‌رو صرفا متوسل‌شدن به دستگاه قضائی نباشد که این هم در دستور کار است و امیدوارم پیش‌نویس آن تا قبل از سالروز رونمایی در ۲۹ آذر تهیه شود.او از مکاتبه اخیر خود با برخی وزارتخانه‌ها خبر داد و افزود: از وزارتخانه‌ها خواسته شده تا در آستانه سالروز رونمایی منشور، نظر به گزارش ملی، جدول ارسال‌شده را تکمیل، اصلاح و به‌روزرسانی کنند و در چارچوب پیوست احکام وزرا، جواب‌های لازم را ارائه دهند و این گزارشات به پیش‌نویس برنامه ملی اقدام خواهد کرد.او با بیان اولویت‌های عمومی پیوست بند سوم منشور حقوق شهروندی، اظهار کرد: اولویت‌های عمومی بر اجرای منشور و همچنین بهره‌مندی از ظرفیت‌های زنان و جوانان تأکید دارد و ما نیز بر اجرای درست بند سوم اولویت عمومی اهتمام خواهیم داشت.مولاوردی با بیان اینکه «سازوکار هدفمندسازی باید تعیین شود تا این جریان‌سازی در کل کشور اتفاق بیفتد و به یک مطالبه عمومی در جامعه تبدیل شود»، تصریح کرد: زمانی که همه قوا در کنار هم قرار نگیرند و این مشارکت و همدلی را نداشته باشند، نمی‌توانیم در تحقق همه مواد منشور موفق باشیم.او افزود: در هفته‌های اخیر شاهد تشکیل فراکسیون حقوق شهروندی بودیم که امیدواریم اهداف و هم‌اندیشی‌ها در این حوزه زودتر به نتیجه برسد.نوروزی، دستیار ویژه وزیر ارتباطات در امور حقوق شهروندی، با بیان اینکه «ساختار فقط نهاد یا سازمان نیست»، اظهار کرد: ساختار، ذهن، رفتار و زبان است و باید تغییر را از اینجا شروع کرد؛ یعنی نخست باید ذهن و زبان‌های ما اصلاح شود. ما در سیطره گفتمان‌های شنیداری و دیداری هستیم و تنها با رفتن به سمت گفتمان انتقادی می‌توانیم از این سیطره رها شویم.او منشور حقوق شهروندی را نمونه ایده‌آلی دانست و گفت: وقتی به این منشور نگاه می‌کنیم، نمونه‌ای ایده‌آل را می‌بینیم و نقطه‌ای را نشان می‌دهد که باید به سمت آن حرکت کنیم. یکی از مشکلات ما این است که در مقابل یک پرسش بزرگ یا شبه آن رضایت می‌دهیم و کارکردها و اقدامات کوچک را نمی‌بینیم.نوروزی با بسیار مهم خواندن نقش و جایگاه نهادهای مردمی، تأکید کرد: از مجموعه‌های ناقص حقوق شهروندی نمی‌توان انتظاری داشت و استفاده از مجموعه‌های مردم‌نهاد بازی دو سر برد برای دولت خواهد بود.او اظهار کرد: زمانی در اجرای منشور حقوق شهروندی موفق خواهیم بود که به این مقوله رنگ‌وبوی مردمی و غیردولتی بدهیم. دانشگاهیان نیز باید در این موضوع ورود کنند تا حقوق شهروندی برند علمی به خود بگیرد. مونس کشاورز، دبیر کنگره بین‌المللی حقوق شهروندی، نیز گفت: در مباحث مطرح‌شده در دبیرخانه دائمی حقوق شهروندی، همیشه سخن از ضرورت ترویج «فرهنگ حقوق شهروندی» بوده است. حقوق شهروندی نیز مانند هر پدیده اجتماعی دیگر، برای تحقق بیرونی و عینی نیازمند ابزارهایی است که شاید سخن از نهادی‌شدن حقوق شهروندی نیز ریشه در همین طرز تفکر داشته باشد؛ اما نکته شایان توجه آنجاست که پیش از نهادسازی برای حقوق شهروندی، ما نیازمند نهادینه‌کردن حقوق شهروندی هستیم.